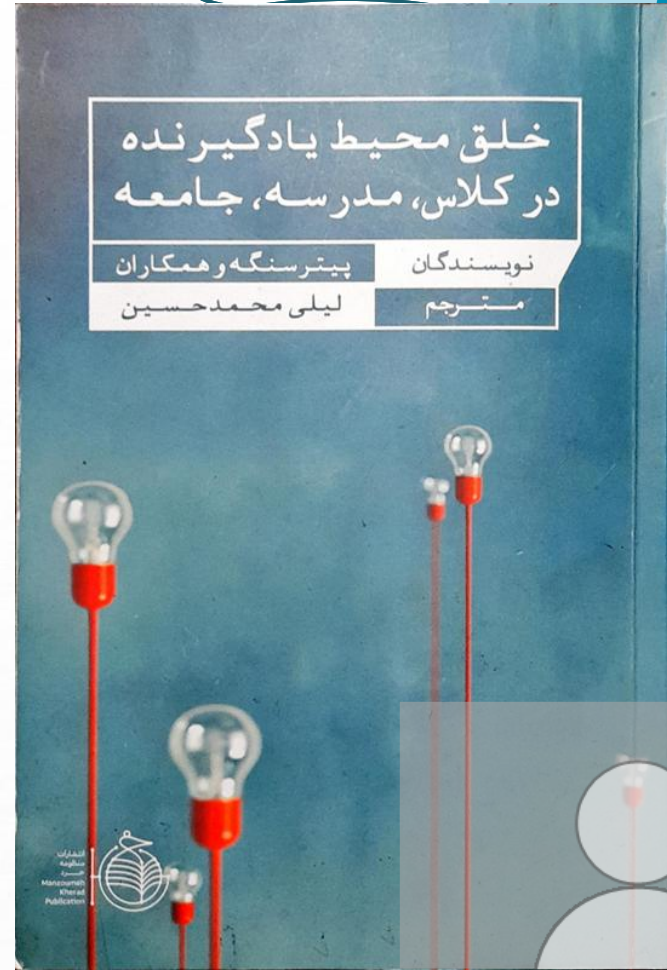


خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه، جامعه

نویسندگان: پیتر سنگه و دیگران
مترجم: لیلی محمد حسین
انتشارات: منظومه خرد

Schools That Learn:
a fifth discipline field book for
educators, parents, and everyone
who cares about education



یادگیری



- حق طبیعی مشترک ما انسان‌ها
- ما یادگیرنده‌هایی مشتاق و طبیعی به جهان قدم می‌گذاریم
- یادگیری عمیقاً شخصی و به طور ذاتی اجتماعی است
- یادگیری نه تنها ما را به دانش به شکلی مجرد، بلکه به یکدیگر متصل می‌سازد
- گره خوردن زندگی با یادگیری در صورت آمادگی برای مواجهه با شرایط و چالش‌های جدید
- ارتباط بین زندگی و یادگیری و تعهد به آن (درچنین دنیایی بین مدرسه، کار و زندگی مرزی نیست)
- بچه‌ها و نوجوانان همه جا در کنار دیگران
- یادگیری فرهنگی ذاتی در سطح جامعه

جامعه یادگیری



- سرعت فزاینده تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فناوری
- نیاز کودکان و نوجوانان به مکان‌هایی امن برای یادگیری
- اختصاص منابع به نهادهایی که بیشترین سهم را در رشد یادگیرنده‌ها دارند
- جوامع یادگیری ممکن است شبیه مدارس امروز باشند شاید هم فرق داشته باشند
- فرهنگی که خود را به یادگیری متعهد می‌داند
- همه پیر و جوان به طور مستمر در کنار هم رشد می‌کنند
- مکان‌هایی برای رشد و تحول پنهان
- نیاز به مدارس یادگیرنده برای دنیای بهتر



مدرسه یادگیرنده

- ایده آن حداقل در تخیل افراد ریشه دارد
- می‌توانند دوباره خلق و به طور سرزنده و پایدار بازسازی شوند
- همه افراد سیستم در بیان آرزوها، کسب آگاهی و توسعه شایستگی‌های‌شان فعال شوند
- سهم مشترک و مؤثر افرادی که به طور سنتی به هم بی اعتمادند
- ادامه تجربه و عمیق شدن ارتباط مربیان، مدرسه‌ها، یادگیرندگان، محله‌ها
- خلق جامعه یادگیری با تمرین مستمر 5 فرمان یادگیری برای تغییر روش تفکر و عمل کردن
- این فرمان‌ها نیروی اهرمی بزرگی برای ایجاد و پرورش جوامع یادگیری ایجاد می‌کنند



در دنیایی با وابستگی درونی روزافزون چون دنیای ما،
هیچکس نمی‌تواند بدون اینکه جامعه اطرافش را فعال سازد و
متحول کند، مدرسه یادگیرنده بسازد. اگر این فعال بودن ناقص
باشد تلاش برای اصلاح مدرسه شکست می‌خورد. جامعه
مدرسه حتی در سطح کلاس درس، وابستگی درونی با جامعه
بیرونی (اهالی محل) دارد.





مدرسه یادگیرنده

- دنیای مدرسه را متفاوت ببینید، مؤثرتر عمل کنید
- مؤسسه آموزشی‌تان را به سازمان یادگیرنده تبدیل کنید
- هر مدرسه‌ای موقعیت خاص خود را دارد، ترکیب خاص نظریه، ابزار، روش یادگیری
- تجربه هیچ مدرسه‌ای کاملاً قابل تعمیم به موقعیت دیگر نیست
- مدرسه از محیط بریده جدا نیست، توان بالقوه نقطه اتکای یادگیری برای محیط
- جوامع پایدار نیازمند مدارس قابل اطمینان برای فرزندان و فرصت‌های یادگیری برای بزرگسالان



مدرسه یادگیرنده مکانی مجزا نیست بلکه سیستمی زنده برای یادگیری است. سیستمی که به این ایده متعهد است که همه کسانی که با آن در ارتباط هستند چه به صورت فردی و چه جمعی به طور مستمر آگاهی و شایستگی‌هایشان را افزایش دهند و تقویت کنند.



جامعه یادگیرنده

فعالیت 1



- تربیت افراد برای اطاعت از قدرتمندان و پیروی بی قید و شرط از قوانین بدون زیر سؤال بردن آنها
- مدارس کودکان را برای دنیای در حال تکامل که در آن زندگی خواهند کرد، آماده نمی‌کنند
- امروزه در همه شکل‌های زندگی خواستار عمل با اختیار بیشتر هستیم که علاوه بر پیروی، رهبری هم بکنیم.
- سؤال بدون ترس راجع به مشکلات و آگاهی بیشتر از پیش فرض‌های کنترل رفتار



5 فرمان یادگیری

الگوهای
ذهنی

1

یادگیری
تیمی

2

تفکر
سیستمی

3

تسلط
شخصی

4

چشم‌انداز
مشترک

05



تسلط شخصی



ارزیابی واقع بینانه از
واقعیت جاری



نتایجی که بیش از همه
مایلید در زندگی خود خلق
کنید



تمرین به زبان آوردن
تصویری منسجم از چشم
انداز شخصی



چشم انداز مشترک



تصاویر مشترک از آینده‌ای
که به دنبال ایجادش هستند



با اصول و روش‌هایی که
امیدوارند آنها را به آینده برسانند



پروژه‌ها حس تعهد با تدوین
چشم انداز مشترک



تمرکز بر هدف مشترک

الگوهای ذهنی

افزایش آگاهی از
نگرش‌ها و ادراکات
خود و اطرافیان

کمک به روشن‌تر و
صادقانه‌تر شدن
واقعیت جاری

اغلب غیر قابل بحث
و از نظرها
پنهان است





یادگیری تیمی

- ارتباط متقابل گروهی با تکنیک‌های گفتگو
- تغییر تفکر جمعی
- تجمیع انرژی و اعمال برای هدف مشترک
- هوش و توانایی‌ای بزرگتر از مجموع استعداد‌های فردی ایجاد کنند

- آگاهی و تمرین برای تشخیص و مدیریت پیچیدگی در
گستره‌ی دنیا

- درک وابستگی متقابل و تحول و مقابله مؤثر با نیروهای
که پیامدهای اعمال‌شان را شکل می‌دهند
- تمرینی قوی برای یافتن نیروی اهرمی لازم برای ایجاد
سازنده‌ترین تحول

تفکر سیستمی





خلق دوباره مدارس برای خدمت به دانش آموزانی که
در دنیای پسا صنعتی که روز به روز پیچیده تر
می شود، بزرگ خواهند شد



واقعیت جاری تعلیم و تربیت

- . سرعت دانش
- . وابستگی درونی در سطح دنیا
- . فشار اقتصادی و عدم رویکرد اجتماعی صحیح
- . تحول در فناوری
- . ناامیدی از کیفیت آموزش



فرصت ها:

- وسعت دادن به افق های ذهنی دانش آموزان
- سرعت بخشیدن به نوآوری
- تلفیق تفکر سیستمی در برنامه درسی
- پذیرش دنیای بیرون
- توجه به دلایل پنهان و نه فقط به نشانه ها



**در واقع هیچکس نمی‌داند در 18 سال آینده
وضعیت کار، تمدن، و فرهنگ دنیا چطور
خواهد بود**

آن واقعیت‌ها با دنیای کودکی مربیان و والدین
کنونی خیلی فرق خواهد داشت
آیا واقعاً می‌خواهیم دوباره مدارس کودکی خود را
بسازیم؟

آیا می‌خواهیم جریان تحول را قطع کنیم و در
مدرسه مخازن راکد آموزش ایجاد کنیم؟ چون
مربیان ما فقط آماده شده‌اند که این کار را بکنند.

کلاس درس، مدرسه، جامعه

- هر سه وابستگی درونی عمیق با یکدیگر دارند.
- هر سه با تأثیر متقابل بر یکدیگر در هم تنیده شده‌اند.
- طوری با هم مرتبط‌اند که دیدن این ارتباط سخت است.
- این ارتباط به اولویت‌ها و نیازهای افراد در همه سطوح شکل می‌دهد.
- تلاش برای ایجاد مدرسه یادگیرنده فقط در صورتی مؤثر است که تحولات در تمام سطوح رخ دهد.



در واقع جامعه‌ای که به طور مؤثر عمل می‌کند
شبکه‌های نامرئی تأثیر را تشخیص می‌دهد و نسبت به
همه افرادی که با آن‌ها مرتبط هستند، احساس
مسئولیت می‌کند. وقتی این شبکه فرو ریزد، کودکان
از شکاف‌های آن سقوط می‌کنند و گم می‌شوند





تسلط شخصی

مجموعه‌ای از الگوهاست تا رؤیاهایمان را به طور کامل حفظ کنیم،
آگاهی از واقعیت‌های جاری اطراف را افزایش دهیم





تسلط شخصی

- موضوعی فردی است. معمولاً با تعمق در تنهایی به دست می‌آید. فرایندی مادام‌العمر است که با پیشرفت زندگی، دورنمای هدفدار و واقعیت جاری شخصی‌تان تغییر می‌کند.
- فراهم کردن موقعیتی برای افراد تا تعمقی در باره‌ی دورنمای‌شان داشته باشند و اجتناب از موضع‌گیری آشکار و پنهان
- مدرسه‌ها پر از دانش‌آموزانی هستند که هیچ هدفی برای خودشان ندارند و مدرسه را مفید نمی‌دانند. برای پر کردن این خلاء سؤال‌هایی از این قبیل می‌پرسند: معلم چه می‌خواهد؟ چطور معلم را راضی کنم؟ چکار کنم تا نمره بگیرم؟

مهم نیست چشم انداز چه باشد، مهم کاری است که چشم انداز انجام می‌دهد

- افراد نه فقط خودآگاهانه بلکه در ضمیر ناخودآگاه با چشم‌انداز هماهنگ می‌شوند
- رفتارشان تغییر می‌کند
- با خودشان و دنیا صبورتر می‌شوند
- دقیق‌تر به اطرافشان می‌نگرند
- حس پایداری از انرژی و اشتیاق ایجاد می‌کند و نتایج ملموسی به بار می‌آورد
- افراد احساس توانمندی و اطمینان بیشتری می‌کنند





چشم‌انداز، واقعیت جاری، تعهد

- در بیشتر مدارس آرمان به طور طبیعی شکل نمی‌گیرد. باید آن را عامدانه پرورش داد.
- پرورش بیان آرمان در خود و دیگران
- فرایند 3 مرحله‌ای:
- 1- چشم‌انداز شخصی‌تان را بیان کنید، دیدی روشن از آرمان‌های محبوب‌تان، تا جایی که ممکن باشد آنرا پررنگ کنید
- 2- سعی کنید واقعیت جاری را روشن ببینید، جنبه‌هایی از چشم‌اندازتان را که نشدنی است ببینید. این شکاف تنش ایجاد می‌کند. تنش ذاتاً به دنبال راه حل است. انگار نواری پلاستیکی بین این دو قرار گرفته است.
- 3- تعهد آگاهانه به نتایجی که از همه مطلوب‌ترند.



آشکار کردن چشم انداز شخصی



این تمرین را به طور غیر رسمی شروع کنید.
جملاتی درباره آرمان های تان (آنچه در همه جنبه های زندگی تان می خواهید بسازید) بنویسید.
لازم نیست هیچکس دیگر آنرا ببیند. بازیگوشی، ابتکار و سرزندگی همه مفید هستند.
برای تمرین تان وقت تعیین کنید، حداقل یک ساعت. درجایی خلوت بنشینید، گوشی تان را خاموش کنید، کسی را نبینید.



بیان چشم انداز



ابتدا خودتان را در یک قالب ذهنی عمیق قرار دهید. آرام ، راحت و متمرکز شوید. تصور کنید به آن نتیجه‌ای در زندگی رسیده‌اید که به شدت به دنبالش بوده‌اید. فرض کنید هر نتیجه‌ای که می‌خواهید دست یافتنی است حتی اگر اصلاً نمی‌دانید چطور به آن برسید.

از زمان حال استفاده کنید، انگار همین الان دارد اتفاق می‌افتد. چه طوری است؟ چه حسی دارد؟ از چه کلماتی برای توصیف آن استفاده می‌کنید؟ به سؤال‌ها پاسخ مناسب بدهید.

بعد مکث کنید، جواب‌ها را دوباره بررسی کنید. آیا چشم‌اندازتان به آنچه واقعاً می‌خواهید نزدیک است؟



اصلاح چشم انداز



از خودتان بپرسید آیا واقعاً آن‌ها را می‌خواهید یا آن‌ها جلوه‌ای از خواسته‌های عمیق‌تر دیگری هستند؟ کدام جنبه از این چشم‌اندازها به خواسته اصلی شما نزدیکتر است؟ کدام یک را بیش از همه می‌خواهید؟ درک همه جنبه‌های چشم‌انداز شخصی زمان‌بر است. شبیه پوست کندن پیاز است، با این تفاوت که همه‌ی پوسته‌ها ارزشمند هستند.



دیدن واقعیت جاری

واقعیت جاری شامل همه‌ی جنبه‌های زندگی می‌شود.

فقط از جمله "من انتخاب می‌کنم..." استفاده کنید.

بعد که انتخاب کردید چشم‌انداز جزئی از وجودتان می‌شود. ممکن است شما را به هرجائی هدایت کند. هر انتخاب

چشم‌انداز شخصی یک جور حس مالکیت ایجاد می‌کند

در خدمت چشم‌اندازی که انتخاب کرده‌اید در می‌آیید و شریک فرایند تحقق آن در زندگی‌تان می‌شوید.

برای ریسک کردن مشتاق‌تر،

در قضاوت درباره آن ریسک‌ها روشن‌تر و

برای نزدیک شدن به چشم‌اندازتان مصمم‌تر می‌شوید.

